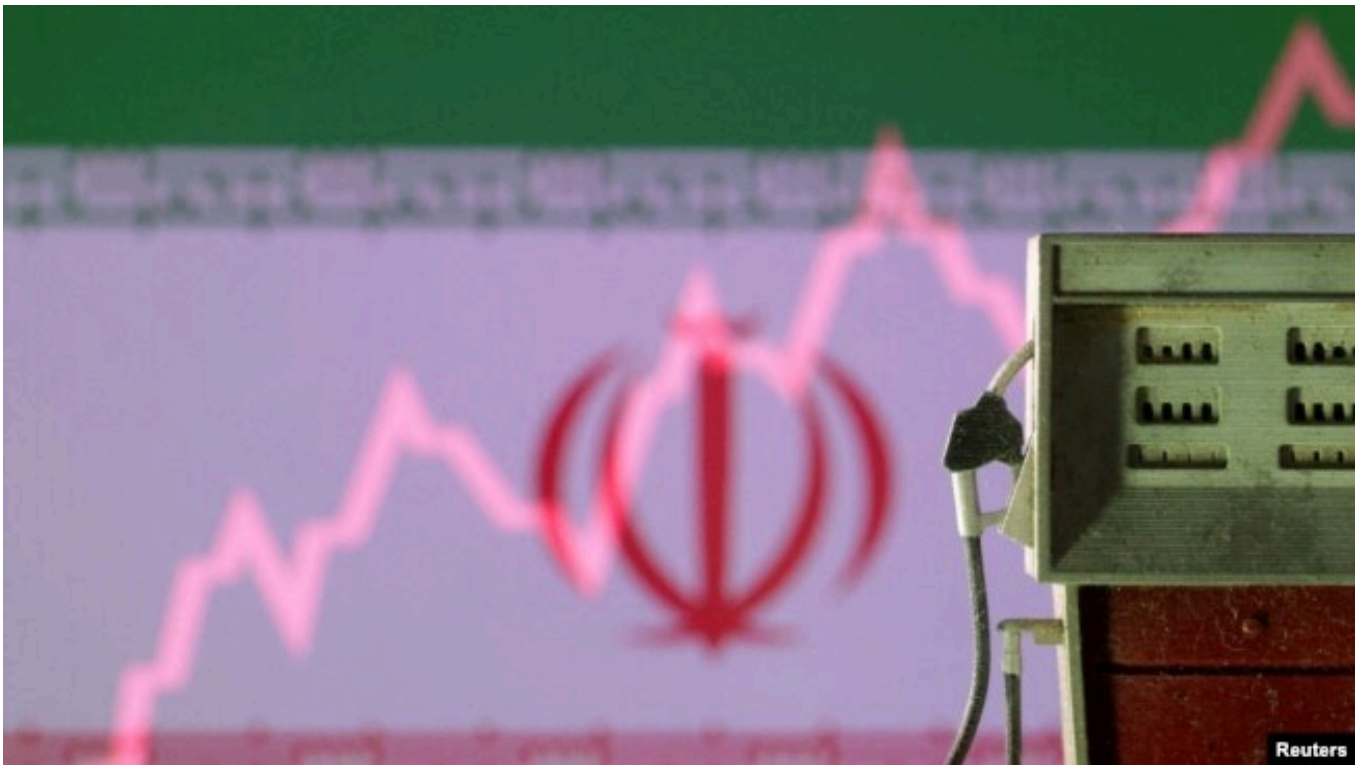
View the original article

پاراگراف اول

پاراگراف اول؛ نفت، تنگه هرمز و سه گزینه پرهزینه برای ایران

محمد ضرغامی

۱۱/آبان/۱۴۰۵



جنگ خاورمیانه و بحران تنگه هرمز معادلات بازار جهانی انرژی را تغییر داده و کشورهای منطقه و واردکنندگان بزرگ نفت را به جست‌وجوی منابع و مسیرهای جایگزین واداشته است.

این تحولات تا چه اندازه می‌تواند از اهمیت راهبردی تنگهٔ هرمز بکاهد و چه پیامدهایی برای بازار انرژی و اقتصاد ایران داشته باشد؟

این پرسش‌ها در برنامهٔ رادیویی «پاراگراف اول» با حضور دو کارشناس بررسی شده است: احمد علوی، اقتصاددان و پژوهشگر اقتصادی ساکن استکهلم که سابقهٔ همکاری با شرکت ملی نفت ایران را دارد، و همایون فلک‌شاهی، رئیس بخش تحلیل داده‌های نفت خام در شرکت کپلر و تحلیلگر بازار جهانی انرژی.



بازکردن در پنجره جدید

لینک مستقیم

تنگه هرمز؛ اهرم فشار ایران در معرض تضعیف

احمد علوی معتقد است استفاده از تنگهٔ هرمز به‌عنوان اهرم فشار، اگر به نتیجهٔ موردنظر نرسد، ممکن است در نهایت به زیان خود ایران تمام شود.

او با اشاره به بحران‌های گذشتهٔ بازار نفت می‌گوید تصور وجود بازاری عادی، باثبات و بدون ریسک، افسانه‌ای بیش نیست. بازار نفت در بحران سال ۱۹۷۳، انقلاب ایران و جنگ نفتکش‌ها در دههٔ ۱۳۶۰ با شوک‌های بزرگی روبه‌رو شد، اما توانست خود را با شرایط جدید سازگار کند.

به گفتهٔ علوی، در بحران کنونی نیز برخلاف انتظار ایران، کشورهای دیگر توانسته‌اند بخشی از مشکلات ناشی از اختلال در تنگهٔ هرمز را مدیریت کنند. انتقال نفت از یک نفتکش به نفتکش دیگر، جابه‌جایی محموله‌ها به دریای عمان و دریای سرخ و استفاده از خطوط لولهٔ جایگزین از جملهٔ راهکارهایی است که به کار گرفته شده‌اند.

او می‌گوید عربستان سعودی به دنبال افزایش ظرفیت صادرات نفت از مسیر دریای سرخ است و کشورهایی مانند عراق نیز برای یافتن مسیرهای جایگزین با همسایگان خود مذاکره می‌کنند.

از نگاه این اقتصاددان، چنین روندی در بلندمدت از اهمیت تنگهٔ هرمز خواهد کاست. او معتقد است هدف قرار دادن مسیرهای صادراتی کشورهای جنوبی خلیج فارس، در نهایت هزینه‌هایی را به خود ایران تحمیل می‌کند که با پیامدهای محدود شدن صادرات نفت و واردات کالا قابل مقایسه است.

به گفتهٔ علوی، اگر کشورهای دیگر وابستگی خود را به تنگهٔ هرمز کاهش دهند، قدرت اثرگذاری این اهرم فشار نیز کمتر می‌شود، اما مشکلات اقتصادی ایران همچنان باقی خواهد ماند.

همایون فلک‌شاهی نیز معتقد است تنگهٔ هرمز اهرم فشاری بود که تنها یک بار می‌شد از آن استفاده کرد.

به گفتهٔ او، امارات متحدهٔ عربی از چند سال پیش اجرای پروژهٔ احداث خط لولهٔ دیگری را آغاز کرده و کشورهای دیگر نیز سرمایه‌گذاری برای ایجاد مسیرهای جایگزین را در اولویت قرار داده‌اند.

فلک‌شاهی پیش‌بینی می‌کند که بسیاری از این پروژه‌ها طی سه تا چهار سال آینده به بهره‌برداری برسند و در نتیجه، از اهمیت کنونی تنگهٔ هرمز کاسته شود.

بحران گازوئیل؛ آسیب‌پذیری بازار فرآورده‌های نفتی

همایون فلک‌شاهی می‌گوید صادرات نفت خام خاورمیانه تقریباً به سطح پیش از جنگ بازگشته، اما صادرات فرآورده‌های نفتی هنوز به آن سطح نرسیده است.

او بحران گازوئیل را مهم‌تر می‌داند و توضیح می‌دهد که خاورمیانه حدود ۲۰ درصد و روسیه ۱۰ تا ۱۲ درصد صادرات جهانی این فرآورده را تأمین می‌کنند.

به گفتهٔ او، حملات پهپادی اوکراین به پالایشگاه‌های روسیه، صادرات گازوئیل این کشور را تقریباً متوقف کرده و عرضهٔ فرآورده‌های نفتی خاورمیانه نیز هنوز به سطح پیش از جنگ بازنگشته است.

با این حال، فلک‌شاهی می‌گوید ذخایر جهانی گازوئیل همچنان نسبتاً بالاست و آمریکا می‌تواند با اقداماتی از جمله فشار بر اوکراین برای تغییر اهداف حملات خود، به کاهش اختلال در بازار کمک کند.

او همچنین معتقد است کاهش تقاضا می‌تواند به افت حاشیهٔ سود پالایشگاه‌ها و در نهایت کاهش تقاضا برای نفت خام منجر شود.

به گفتهٔ این تحلیلگر، تقاضا برای گازوئیل در چین و اروپا در پاییز امسال نسبت به سال گذشته حدود ۱۰ درصد کاهش یافته است. از همین رو، او معتقد است قیمت نفت خام به اوج خود نزدیک شده است، مگر آنکه حملات به تأسیسات نفتی منطقه گسترش یابد و عرضه بار دیگر مختل شود.

احمد علوی در بررسی پیامدهای بحران، بر تأثیر آن بر زندگی مردم تأکید می‌کند.

او یادآور می‌شود که مصرف‌کنندگان مستقیماً نفت خام نمی‌خرند، بلکه با قیمت فرآورده‌هایی مانند بنزین و گازوئیل سروکار دارند. بنابراین، حتی اگر عرضهٔ نفت خام بهبود یابد، لزوماً قیمت فرآورده‌های نفتی به‌سرعت کاهش نخواهد یافت.

به گفتهٔ او، انتظارات بازار، نگرانی از ادامهٔ بحران و میزان ذخایر نیز بر قیمت‌ها اثر می‌گذارد. افزایش قیمت انرژی نیز می‌تواند با بالا بردن هزینه‌های حمل‌ونقل و تولید، به گرانی سایر کالاها منجر شود.

علوی معتقد است این فشارها برای اقتصاد ایران که از دههٔ ۱۳۹۰ کوچک‌تر شده و با محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها روبه‌روست، پیامدهای گسترده‌تری خواهد داشت.

او تأکید می‌کند که درآمد نفتی تنها زمانی به منابع مالی قابل استفاده تبدیل می‌شود که امکان فروش نفت، دریافت پول و دسترسی به درآمدهای حاصل از آن وجود داشته باشد. به بیان دیگر، برخورداری از ذخایر نفتی به‌تنهایی به معنای دسترسی به منابع مالی نیست.

سود بالای معاملات؛ انگیزهٔ عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز

همایون فلک‌شاهی در توضیح اینکه چرا نفتکش‌ها با وجود خطر حمله همچنان از تنگهٔ هرمز عبور می‌کنند، به سود بالای این معاملات اشاره می‌کند.

به گفتهٔ او، برخی از این نفتکش‌ها متعلق به شرکت‌های ملی نفت کشورهای منطقه و برخی دیگر وابسته به شرکت‌های خصوصی هستند.

در این معاملات، نفت در خلیج فارس با تخفیف خریداری می‌شود و پس از انتقال محموله به نفتکشی دیگر در آن سوی تنگه، با قیمتی بالاتر به فروش می‌رسد.

فلک‌شاهی می‌گوید تخفیف خرید برخی محموله‌ها به ۱۰ تا ۱۵ دلار در هر بشکه می‌رسد و در مواردی، به‌ویژه دربارهٔ نفت عراق، قیمت خرید حدود ۳۰ دلار پایین‌تر از قیمت روز است. این در حالی است که همان نفت پس از انتقال ممکن است با قیمتی پنج تا شش دلار بالاتر از نفت برنت فروخته شود.

به گفتهٔ او، انتقال محموله ممکن است تنها پنج تا شش روز طول بکشد و همین سود بالقوه، انگیزهٔ ادامهٔ فعالیت نفتکش‌ها را حفظ می‌کند.

این تحلیلگر همچنین بر نقش حمایت نظامی آمریکا در تردد نفتکش‌ها از تنگهٔ هرمز تأکید می‌کند.

سه گزینهٔ پیش روی جمهوری اسلامی

همایون فلک‌شاهی معتقد است جمهوری اسلامی در شرایط کنونی با سه گزینه روبه‌روست: تحمل وضعیت موجود و هزینه‌های فزایندهٔ اقتصادی، مذاکره با آمریکا یا تشدید تنش‌های منطقه‌ای با هدف افزایش هزینهٔ جنگ برای واشینگتن.

به اعتقاد او، ایران با تهدید و هدف قرار دادن کشتی‌ها و ایجاد ناامنی در مسیرهای انتقال انرژی، توانسته تا حدی بازار نفت و طرف مقابل را تحت فشار قرار دهد، اما تأثیر این اقدامات محدود بوده است.

او می‌گوید هزینه‌های اقتصادی این وضعیت برای خود ایران به‌مراتب بیشتر بوده، زیرا صادرات نفت خام کشورهای منطقه تا حد زیادی به سطح پیش از جنگ بازگشته است.

فلک‌شاهی معتقد است ایران برای ایجاد شوکی بزرگ‌تر در بازار انرژی ممکن است به هدف قرار دادن تأسیسات نفتی و پالایشگاهی منطقه روی آورد، اما چنین اقدامی، علاوه بر دشواری‌های عملیاتی، هزینه‌های دیپلماتیک سنگینی برای تهران خواهد داشت.

***بحران نفتی سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۲):** در جریان جنگ اعراب و اسرائیل در اکتبر ۱۹۷۳، کشورهای عرب صادرکنندهٔ نفت، صادرات نفت به آمریکا و شماری دیگر از کشورهای حامی اسرائیل را تحریم کردند. این بحران به افزایش شدید قیمت جهانی نفت انجامید و قیمت آن در مدت کوتاهی حدود چهار برابر شد.

***جنگ نفتکش‌ها:** بخشی از جنگ ایران و عراق که از سال ۱۳۶۳ شدت گرفت و تا پایان جنگ در سال ۱۳۶۷ ادامه یافت. در این دوره، ایران و عراق به نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری مرتبط با یکدیگر و حامیان طرف مقابل حمله می‌کردند. نیروی دریایی آمریکا نیز در سال‌های پایانی جنگ وارد درگیری‌های نظامی در خلیج فارس شد.

این مطلب بخشی از:

سیاسی | بایگانی | فراتر از خبر | پاراگراف اول

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وب‌سایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.